

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۶۶

جمعه ۴ تیر ۱۳۹۵، ۲۴ ژوئن ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

جنبش اعتراض به شلاق و تقلاب‌های مقامات

علت گسترش بی‌حجابی چیست؟

خامنه‌ای و معضل "بچالش کشیده شدن

حکومت به هر بهانه‌ای!"

صفحه ۵

در پاسخ به فراخوان کمک مالی به حزب

صفحه ۳

حمایت اتحادیه پست کانادا از جعفر

عظیم زاده و خواستهایش

صفحه ۱۲

نامه اتحادیه کارگران خدمات بریتیش

کلمبیای کادا در حمایت از جعفر عظیم زاده

و کارگران زندانی در ایران

صفحه ۱۲

غارتگران میلیاردری را

باید به زیر کشید!

صفحه ۱۲

## حقوق‌های نجومی

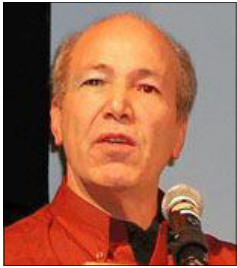
### جلوه دیگری از فساد کل حکومت

مصاحبه با حمید تقوایی

در مورد حقوق‌های چند ده میلیونی مقامات حکومتی

صفحه ۲

### رجزخوانی قاسم سلیمانی پاسخ به چیست؟



صفحه ۳

کاظم نیکخواه

قاسم را لغو کرده و شماری از طرفدارانش دست به اعتراض زده اند. بطور قطع حکومت بحرین حمله به این آخوند شیعی که مورد حمایت جمهوری اسلامی میباشد را با این ارزیابی شدت داده است که موقعیت بین‌المللی حکومت اسلامی برای تعرض و حمایت از جریان‌های اسلامی در کشورهای دیگر مناسب نیست.

سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم آخوند شیعی بحرینی توسط حکومت آل خلیفه، موضوعی است که نزاع و رقابت و کشاکش منطقه ای جمهوری اسلامی با حکومت‌های عربی را بار دیگر شدت داده است. دولت بحرین اخیراً تابعیت شیخ

### حقوق‌های نجومی: خشم جامعه، وحشت بورژوازی!

مصطفی صابر

صفحه ۴

### فوتبال بی‌تقصیر است!

شهاب بهرامی

صفحه ۷

### چند کلمه به مناسبت روز جهانی پناهنده

عبدالله اسدی

صفحه ۱۱



گزارش کنفرانس اسلو به مناسبت روز جهانی

حمایت از زندانیان سیاسی در ایران ۲۰ ژوئن ۲۰۱۶

صفحه ۸



# حقوقهای نجومی جلوه دیگری از فساد کل حکومت

## مصاحبه با حمید تقوائی در مورد حقوقهای چند ده میلیونی مقامات حکومتی

است که حقوق بالای چند مدیر نباید به یک مسئله ملی تبدیل شود و خواستار همدلی در بین دست اندرکاران رژیم شده است. این تلاشها تا چه حد میتواند اختلافات جناحی را تخفیف بدهد و از رسوائی بیشتر حکومت جلوگیری کند؟

حمید تقوائی: این اولین بار نیست که خامنه ای و دیگر مقامات از ضرورت اتحاد صحبت میکنند. معمولاً بعد از هر افشاگری و رونمایی از فساد و دزدیهای یکدیگر بخاطر کند کردن لبه بی آبرویی "روحانیت و نظام" در فواید وحدت و همدلی منبر میروند و همدیگر را نصیحت میکنند. این تلاشها ممکن است موقتا از شدت اختلافات بکاهد اما طولی نیکند که بر سر مساله دیگری دعوا بالا میگیرد. مساله آنست که هر جناح میخواهد رقیبش را از میدان بدر کند بی آنکه موقعیت خودش تضعیف بشود و این امکان پذیر نیست. همه مقامات و باندهای حکومتی از ولی فقیه گرفته تا امام جمعه فلان شهرستان چنان سابقه مشترک و همدستی و همراهی ای در دزدی و فساد و غارت و جنایت علیه مردم دارند که هر رونمایی و افشاگری خواه ناخواه دامن کل حکومت را میگیرد. در واقع محور اتحاد باندهای حکومتی غارت و سرکوب مردم است! وقتی خامنه ای و یا روحانی و یا فلان امام جمعه در فواید وحدت و همدلی منبر میروند در واقع همین سابقه مشترک و وحدت منافع در دزدی و جنایت را به جناح مخالف یادآوری میکنند. ازینرو نه تنها در سونامی حقوقهای نجومی، بلکه در پس هشدارهای وحدت طلبانه جناحهای حکومتی نیز مردم مشارکت و همدستی کل باندهای حکومتی را می بینند. در هر حال این کل نظام جمهوری اسلامی است که بیش از پیش در نزد توده مردم رسوا و بی اعتبار میشود.

صفحه ۴

رفسنجانی دنبال میکند. هدف هر دو جناح حفظ نظام است. یکی میخواهد با استحاله به یک نظام غیر متخاصم با غرب موجودیت نظام متبوعش را حفظ کند و دیگری با تاکید بر هویت ضدغربی نظام. اما بطور واقعی حکومت راه نجاتی ندارد. پارادوکس رابطه با غرب در چارچوب نظام جمهوری اسلامی قابل حل نیست. تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است نه گشایش اقتصادی امکان پذیر است و نه عادیسازی رابطه با غرب.

یکی از نتایج جانبی این کشمکش افشاگریهای جناحها از یکدیگر است که آخرین نمونه آن همین مساله حقوقهای نجومی است. رسوائی ای که خود مقامات حکومتی از آن با عنوان "سونامی فیشهای حقوقی" نام میبرند. این سونامی روز بروز حادث خواهد شد و بیشتر اوج خواهد گرفت. کشمکش جناحها بر سر بقا است اما هر قدر علیه یکدیگر بیشتر افشاگری کنند بقیایشان از جانب جامعه و توده معترض مردم بیشتر زیر سؤال میروند، منفورتر و منزوی تر میشوند و بخشهای وسیعتری از جامعه را علیه کلیت نظامشان بسیج میکنند. کشمکش جناحها بر سر بقا خود زمینه ساز و عامل موثری در روند بحال کشیده شدن حکومت از جانب توده مردمی است که مدتهاست برای بزیر کشیدن آن در کمین نشسته اند.

انترناسیونال: به نظر میرسد مقامات حکومتی هم متوجه این "خطر" بی آبرویی کل نظامشان هستند. وزیر بهداشت جمهوری اسلامی در یادداشتی این افشاگریها را شمشیر دولبه دانسته است که اگر چه یک لبه آن دولت روحانی را هدف گرفته، ولی لبه دیگر آن "روحانیت و نظام" را نشانه رفته است. خامنه ای نیز روز دوشنبه ۳۱ خرداد در یک سخنرانی جناحهای رژیم را دعوت به اتحاد کرد. حسن روحانی هم گفته

بانی حقوقهای هنگفت میدانند. در رونمایی از دزدیها و اختلاسهای میلیاردی یکدیگر نیز همین حملات متقابل بین جناحها را شاهد هستیم. ریشه این اختلافات حکومتی البته هیچیک از این مسائل نیست. مقامات و باندهای حکومتی از هر دو جناح در سرکوب کردن مردم شریک و همدست یکدیگرند و بر خلاف آنچه ادعا میکنند دغدغه هیچکدامشان "مبارزه با فساد" و یا "حراست از بیت المال" نیست. اختلافات جناحها در اساس سیاسی و بر سر استراتژی بقای نظامشان است. این اختلاف که همیشه از همان زمان خمینی و کشمکش بین حزب جمهوری اسلامی و جناح بنی صدر به شکل اختلاف میان دو جناح اصولگرا و اصلاح طلب بروز پیدا کرده است با تشدید بحران و فلج اقتصادی حکومت به نقطه اوج خود رسید. توافق هسته ای با غرب تنها راه برون رفت از ورشکستگی اقتصادی رژیم به نظر میرسد و بهمین دلیل روحانی و طرفدارانش با خط توافق هسته ای و عادیسازی روابط با غرب دست بالا را پیدا کردند و دولت را در دست گرفتند. خامنه ای و اصولگرایان ناگزیر به توافق هسته ای تن دادند اما خط قرمزشان عادیسازی روابط با غرب است. از نظر خامنه ای و جناح اصولگرا دست کشیدن از غریبتریزی برای حکومتی که اساس ایدئولوژی و استراتژیستش مرگ بر آمریکا و حمله به شیطان بزرگ است معنائی بجز خودکشی سیاسی نخواهد داشت. واقعیت هم همین است. جمهوری اسلامی دست شسته از دشمنی با غرب همانقدر شانس بقا دارد که نازیسم دست شسته از خصومت با یهودیان. مردم به چنین حکومتی مهلت نخواهند داد.

از سوی دیگر هر درجه گشایش اقتصادی و راه یافتن به عرصه اقتصاد و سیاست جهانی مستلزم عادی سازی روابط با غرب است. این خطی است که جناح روحانی-

و دویال اقتصاد مافیائی نظام هستند. کوه ثروت یک اقلیت مفتخور بر دره فقر اکثریت عظیم مردم شریف و زحمتکش بنا شده است.

در زمینه چپاول مردم جمهوری اسلامی یک رژیم استثنائی است. در همه کشورها بین درآمد یک در صدیهای حاکم و نود و نه در صد مردم فاصله فاحشی وجود دارد اما جمهوری اسلامی در این زمینه نیز مانند اعدام و سرکوب رکورد دار است. کمتر کشوری را پیدا میکنید که حقوق یک مدیر دولتی بیش از صد و بیست برابر حداقل دستمزد در آن کشور باشد. در راس سرمایه داران و یک درصدیهای حاکم در ایران آیت الله ها و وابستگانشان و سران سپاه و بسیج و مقامات و مدیران دولتی قرار دارند و حقوقهای نجومی، همانند دزدی و اختلاس و فساد و فعال مایشائی و سلطه انحصاری باندهای مافیائی حکومت بر بندرها و معادن و منابع و جنگلها و دیگر منابع اموال عمومی جامعه و "گم شدن" ارقام میلیارد دلاری از بودجه و درآمدهای دولتی، بخشی از مکانیسم پرور شدن یک درصدیهای حاکم به قیمت فقر و مسکنت هر چه بیشتر اکثریت عظیم مردم است. دولت در ایران مثل یک دستگاه عظیم چپاول و غارت جامعه عمل میکنند و از این نقطه نظر نیز جمهوری اسلامی گوی سبقت را حتی از فاسدترین حکومتهای دنیای معاصر ربوده است.

انترناسیونال: پرداخت چنین حقوقهایی در جمهوری اسلامی تازگی ندارد ولی چه عاملی باعث شده که این افشاگریها برآید؟

حمید تقوائی: علت این افشاگریها حاد شدن اختلاف و کشمکش بین جناحهای حکومتی است. اصولگرایان تلاش میکنند دولت روحانی را مسئول این وضعیت قلمداد کنند و در مقابل جناح روحانی دولت احمدی نژاد را منشا و

انترناسیونال: در روزهای اخیر موجی از افشاگری فیشهای حقوقی نجومی مدیران در جمهوری اسلامی به راه افتاد. تصاویر این فیشها صفحات پرتیراژترین روزنامه های داخل کشور را پر کرده و یک موضوع مهم مطرح در مادیای اجتماعی است. مدیر عامل بیمه مرکزی در این رابطه ناچار به استعفا شد. این افشاگریها نشان میدهد که نه فقط حقوقهای ده ها و حتی چند صد میلیونی پرداخت میشود بلکه صدها میلیون هم تحت عناوینی نظیر کارانه پرداخت میشود. اصولگراها و جناح حکومتی مخالف دولت روحانی را مسئول این وضعیت میدانند و بعضی از مقامات حامی دولت به روال همیشه مدعی هستند این وضعیت میراث دولت قبلی است. نظر شما چیست؟

حمید تقوائی: حقوقهای نجومی مقامات حکومتی به این یا آن دولت و کابینه محدود نمیشود. حقوقهای هنگفت چند ده میلیونی نیز مانند اختلاسها و دزدیهای میلیاردی، جزء ساختار نظام جمهوری اسلامی و جلوه دیگری از فساد همه جانبه رژیم حاکم است.

این واقعیت را همه مردم میدانند. همه میدانند که مساله بر سر سوء مدیریت یا اشتباهات این یا آن کابینه و دولت قبلی یا فعلی نیست. این تصویر احمقانه ای است که جناحهای حکومتی تلاش میکنند از مساله بدست بدهند. حقوقهای نجومی یک جزء ضروری کارکرد اقتصاد مافیائی حاکم است. این مکانیسمی است برای انتقال ثروت جامعه به جیب گشاد مسئولین و مقامات. حقوقهای ۶۰ و ۸۰ و ۱۰۰ میلیونی در نظامی پرداخت میشود که حداقل دستمزد را کمتر از یک چهارم خط فقر تعیین کرده است و مدعی است توانائی افزایش حقوق کارگران حتی در سطح خط فقر رسماً اعلام شده (سه و نیم میلیون تومان) را ندارد! این دو واقعیت متضاد جزء مکمل همدیگر

## رجزخوانی قاسم سلیمانی ...

از صفحه ۲

جمهوری اسلامی با دولت روحانی و استراتژی برجام تلاش میکند در منطقه تنش زدایی کند تا بلکه فضا را برای مراودات اقتصادی و سرمایه گذاری و تحرکی در اقتصاد در گل مانده حکومت آماده کند و کمترین چیزی که احتیاج دارد وارد شدن به یک حالت جنگی و بحران دیپلماتیک دیگر در منطقه است.

اما در برابر این اقدام قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی در بیانیه ای بسیار تند رهبران بحرین را مورد حمله قرار داده و حتی از سرنگونی "حکومت سفاک آل خلیفه" سخن گفته است. قاسم سلیمانی نوشته است "یقیناً آنها (رژیم آل خلیفه) می دانند تجاوز به حریم آیت الله شیخ عیسی قاسم خط قرمزی است که عبور از آن شعله ای از آتش را در بحرین و سراسر منطقه پدید خواهد آورد و برای مردم راهی جز مقاومت مسلحانه باقی نخواهد گذاشت. قطعاً تاوان آن را آل خلیفه پرداخت خواهد کرد و نتیجه آن جز نابودی این رژیم سفاک نخواهد بود."

این یک نوع اعلان جنگ است. سلیمانی در سالهای اخیر بطور شخصی در امور سیاسی دخالت مستقیمی نکرده است. به همین دلیل تحلیلگران مسائل ایران این حرکت او را بیش از آنکه تعرضی به حکومت بحرین ارزیابی کنند، سوت شروع وارد شدن به میدان سیاست و رقابت با حسن روحانی میدانند. بعبارت دیگر دولت روحانی در این ماجرا از دوسو زیر حمله قرار گرفته است. هم یک آخوند و آیت الله طرفدار حکومتش را دارند با سلب تابعیت محکوم میکنند و هم جناحی از حکومت و حتی یکی از فرماندهان نظامی رده بالای خودش سرخود بیانیه میدهد و شیپور جنگ با یک کشور دیگر را به صدا در می آورد.

اما بیانیه قاسم سلیمانی بیش از هرچیز وضعیت درهم ریختگی و بلبشو در درون حکومت اسلامی را بازتاب میدهد. اگر قرار بود حکومت اسلامی ایران به حکومت

بحرین اعتراض کند، طبق عرف و روال معمول همه دولت‌ها، این اعتراض میبایست از جانب وزیر خارجه و مقامات رسمی دیپلماتیک صورت گیرد، نه از سوی یک فرمانده نظامی. لحن بیانیه سلیمانی به شکل اولتیماتوم و اعتراض دیپلماتیک نیست بلکه حالت اعلان جنگ دارد.

با این بیانیه تنش و کشاکش میان جمهوری اسلامی و دولت بحرین و عربستان نیز که فی الحال با جنگهای نیابتی در یمن و عراق و سوریه با حدت جریان دارد، قطعاً اوج دیگری خواهد گرفت. در ماه ژانویه گذشته وقتی که دولت عربستان شیخ نمر یکی از آخوندهای شیعی را اعدام کرد در ایران حکومت اسلامی شروع به رجزخوانی کرد و حزب الهی هایش را به سوی سفارت عربستان کیش داد تا سفارت این کشور را به آتش بکشند. این اقدام کاملاً به زبان حکومت اسلامی تمام شد و باعث شد که موضوع اعدام شیخ نمر حاشیه ای شود و بیشتر دولتهای منطقه حکومت اسلامی را محکوم کنند. جمهوری اسلامی ناچار شد چندین بار عذرخواهی کند و اعلام کند که حمله به سفارت عربستان ربطی به حکومت ندارد و عاملینش بازداشت و زندانی شده اند. در ماجرای بحرین به همین دلیل سران حکومت کف بر دهان نیاروندند و تلاش کردند آرام باشند. اما بیانیه سلیمانی خیلی مناسب تر از آتش زدن سفارت به کمک رقبای منطقه ای حکومت آمد.

آنچه در این میان مهم است توجه به این واقعیت است که منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا یک منطقه انفجاری است. یک بحران سیاسی حاد و بسیار خطرناک در منطقه مدتهاست جریان دارد که هنوز بهیچ وجه تعیین تکلیف نشده است. دوره کنونی دوره بازتعریف جایگاه دولتهای منطقه است که همگی بسرعت به سمت نظامی گری پیش میروند. بسیاری از حکومت‌ها ثبات سیاسی ندارند و با خیزش و شورش و انقلابات زیر پایشان سست شده است. دولت آمریکا نیز بعد از

شکستهایش در عراق و افغانستان از نظر بین المللی تضعیف شده و در موقعیتی نیست که بتواند طبق معمول یک جانبه و با کودتا و حمله نظامی و فشارهای دیپلماتیک اهداف و سیاستهای خود را به دولتهای تحمیل کند. تضعیف سلطه طلبی آمریکا بعد از دوره فروپاشی بلوک شرق، خلاء ها و حفره های عظیمی در دنیا ایجاد کرده که باعث میشود کشاکش بر سر مناطق نفوذ مجدداً باز شود. دولتهای منطقه خاورمیانه متلهاست تلاش میکنند با سازمان دادن و بسیج دستجات ترور و باندهای مذهبی و قومی و انواع گروههای دست ساز، این خلاء ها را پر کنند و موقعیت درونی خود را با اتکا به تقویت جایگاه منطقه ای خود بهبود بخشند.

در این فضا است که بیانیه قاسم سلیمانی معنا پیدا میکند. سلیمانی نماینده جناحی از حکومت است که شکست برجام و سازش و معامله با غرب را می بیند و از موقعیت شکننده حکومت اسلامی در داخل بشدت نگران است. بوق و کرنای برجام اکنون با گذشت زمانی نسبتاً طولانی و پدیدار نشدن هیچ تحولی، فروکش کرده است. طرفداران روحانی که قبل از برجام وعده گشایش و فراوانی و رونق میدادند، اکنون به منادیان صبر کنید اوضاع بعداً خوب میشود تبدیل شده اند. صدای اعتراض به بیکاری و گرانی و در داخل ایران به نحوی رسا بگوش میرسد. اعتراض به فیشهای حقوقی دست اندرکاران حکومت خود گوشه ای از فضا را بازتاب میدهد. هردو جناح حکومت در برابر فضای بحران و خشم مردم و رکود و درهم ریختگی اقتصادی و سست شدن زیر پای حکومت بی پاسخ و در بن بست مانده اند.

سلیمانی و جناح نظامی و اصولگرایی حکومت، با بحران سازی نظامی، تلاش میکنند فضا را گل آلود کند و توجه ها را به سمت دیگری ببرد و از این طریق هم در برابر مردم معترض قدرتی خود را بر خ بکشد و توجه ها را به سمت نزاعهای منطقه ای بکشد، و هم در عین حال دولت روحانی را تضعیف و زیرپایش را سست کند و زمینه کنار زدنش را در آینده نزدیک مهیا نماید.

به همین دلیل بیانیه قاسم سلیمانی بیش از آنکه علیه آل خلیفه باشد، و حتی بیش از آنکه علیه جناح روحانی باشد، تقلایی تازه از جانب جناحی از حکومت برای بازگرداندن کنترل از دست رفته حکومت اسلامی بر اوضاع داخلی خویش است. به همین دلیل هم این بیانیه بازتاب گسترده ای در رسانه های حکومت داشته است. این بیانیه قطعاً با چراغ سبز خامنه ای و سران سپاه پاسداران منتشر شده است. این بخش از سران حکومت اسلامی ارزیابیشان اینست که با حمایت از شیخ عیسی قاسم میتوانند یک بار دیگر جنبش گسترده ای را در برابر حکومت آل خلیفه که آنهم دچار رقابت و بحران درونی حادی میباشد دامن زنند،

جای پای خود را در بحرین بازیابند، و از این طریق هم رقبای منطقه ای خود مثل عربستان را تضعیف کنند و هم فضای داخلی ایران را بجای بحث بر اقتصاد و فقر و گرانی و امثال اینها، به سمت رجزخوانی های جنگی سوق دهند. این بیانیه بار دیگر تاکید میکند که حکومت اسلامی با بحران سازی نظامی و کشاکش و جنگ طلبی میتواند زنده بماند. این یک ماشین کاملاً نظامی و جنگی است. کارکردش اینگونه است. و صفوفش اینگونه شکل گرفته است. برای خلاص شدن از خطر جنگ و تهدید کشاکشهای خطرناک نظامی باید بند از بند کلیت این حکومت جدا کرد.

## در پاسخ به فراخوان کمک مالی به حزب

در پاسخ به فراخوان حزب برای یک کمپین ۵۰ هزار دلاری تاکنون مبلغ ۲۴۳۵۰ دلار جمع آوری شده است. هنوز ۲۵۶۵۰ دلار دیگر باقی مانده است که امیدواریم به همت دوستداران حزب و کانال جدید نه تنها این مبلغ بلکه خیلی بیشتر از این مبلغ جمع آوری شود.

با قدردانی از دوستانی که تاکنون به این فراخوان جواب داده اند:

هفته سوم:

عباس ماندگار	۱۰۰۰ دلار
محمود احمدی	۱۵۰ دلار
سمیرا هوشمند	۴۰ دلار
سوسن احمدی	۵۰ دلار
مدوسا از اوتاوا	۱۰۰ دلار
داود آرام	۵۰۰ دلار
کیوان جاوید و پتی دبونیتاس	۳۰ هزار کرون
پری رشیدی	۲۰۰۰ کرون
غریبه حسینی	۵۰۰ کرون
صابر آزاد	۲۰۰ دلار
کیان از ونکوور	۱۰۰ دلار
علی از آمریکا	۲۰۰ دلار
صادقی از ونکوور	۱۰۰ دلار
فرهاد پیرونی	۲۵۰ دلار
شهلا آقاجانی	۱۰۰ دلار

جمع کمک در هفته سوم

۶۶۲۰ دلار

جمع کمک در سه هفته گذشته

۲۴۳۵۰ دلار



## حقوق های نجومی: خشم جامعه، وحشت بورژوازی!

مصطفی صابر



پنذیرد تبدیل شود. همیشه در حال بحران و التهاب بوده است. همیشه مجبور بوده است دوباره از نو برای موجودیت خود زندان کند و چوبه دار برپا کند و شلاق بزند. چیزی که همین امروز هم ادامه دارد. و این جوهر حقیقت اوضاع ایران است. افشای فیش های حقوقی نجومی یکبار دیگر مساله اصلی جامعه ایران را جلوی چشم همه گذاشته است. توده های میلیونی مردمی که سر سازش با زندگی نکتبازی که جمهوری اسلامی بر آنها تحمیل کرده است ندارند، به خشم آماده اند. آنها میخواهند اوضاع را عوض کنند و این کار را هم دیر یا زود خواهند کرد. مهم این است که افق درستی در برابر این تلاش قرار گیرد: در مقابله با نابرابری های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نه فقط کل جمهوری اسلامی از هر جناح را باید از جلوی پای جامعه برداشت، بلکه باید از شر سرمایه داری رها شد.

دو طبقه جا میگیرند به اندازه نیم مردم دنیا ثروت دارند. این روند بویژه در چند دهه اخیر، مشخصا از دهه ۸۰ میلادی و عروج نئوکسرواتیسیم، و بالاخص بعد از بحران جهانی ۲۰۰۸ تشدید شده و این نابرابری بسرعت در حال افزایش است.

آنچه که به اوضاع ایران ویژگی میدهد البته حاکمیت جمهوری اسلامی در تمام این دوره ای است که طبقه کارگر در سطح جهانی مورد هجوم عظیم قرار گرفته و به نسبت فقیرتر و ضعیف تر شده و بورژوازی قدرتمندتر و ثروتمندتر. در تمام این سالها جمهوری اسلامی و اقتصاد مافیایی اسلامی اش این روند جهانی و حتی بصورت خشن تری و زخم تری بر جامعه ایران تحمیل کرده است. علاوه بر فقر و فلاکت و وحشتناکی که می بینیم، در تمام این سالها جنگ بی امان جمهوری اسلامی علیه جامعه، و بویژه علیه طبقه کارگر به شدت ادامه داشته است. اما نکته جالب در مورد ایران همینطور این است که جمهوری اسلامی نتوانسته است به موجودیتی متعارف که جامعه آنرا

امروز ببندد میتواند "حقیقی" در این توجیهاات بورژوازی ایران ببیند. لاید روحانی و خامنه ای چند مدیر را از جلوی صحنه کنار خواهند برد و چند آفتابه دزد را مجازات خواهند کرد تا بلکه فضا را آرام کنند. حتما جناح اصولگرا میکوشد از این فضا برای عقب راندن جناح روحانی - رفسنجانی در دعوای درونی استفاده کند و قاتل های خودش را در مقایسه با آدمکشان آن یکی دیگر جناح به جلو صحنه براند. و قطعاً جمهوری اسلامی و حکومت آیت الله های میلیاردی در ایجاد اوضاع اقتصادی بسیار وخیم و نابرابری و وحشتناک در جامعه ایران نقش بلافصل و درجه اول دارد. اما اینها هیچکدام هنوز جوهر حقیقت اوضاع نیست. حقیقت این است که رشد سرسام آور نابرابری و گسترش شکاف بین غنی و فقیر یک نتیجه ناگزیر حاکمیت سرمایه و مساله ای جهانی است. حتی بنگاه های بورژوازی بانک جهانی و غیره هر روز دارند در مورد خطرات آن هشدار میدهند. همین چند وقت پیش بود که افسام اعلام کرد میلیاردردهایی که در یک تابوس

بی بی سی و طیف اصلاح طلبان (استحاله چی ها) میکوشند مساله را به این محدود کنند که افشای فیش های حقوقی کمپین اصولگرایان علیه دولت روحانی بوده و تدارکی برای انتخابات بعدی ریاست جمهوری است. اینها سعی میکنند دولت روحانی را نجات دهند و امید به استحاله تدریجی جمهوری اسلامی را زنده نگهدارند. بخش های دیگر بورژوازی ایران که آمیدی به تغییر تدریجی جمهوری اسلامی ندارند و خواهان سرنگونی آن هستند، سعی میکنند در این معرکه سرمایه داری را از تیغ نفرت مردم نجات دهند. این حقوق های نجومی را در ادامه اختلاس های میلیاردی و پدیده بچه پولدارها قرار میدهند و آنرا با این توضیح میدهند که گویا این مختص جمهوری اسلامی و حاکمیت آیت الله ها و آقازاده ها و رانت خواری و غیره است. گویی سرمایه داری خوش خیم و مهربانی در ایران میتواند سر کار بیاید که لااقل فاصله حقوق ها و نابرابریها اینقدر نجومی نباشد. اگر کسی تصمیم گرفته باشد چشم اش را به حقایق بنیادی دنیای

اینروزها موضوع اول بحث هر محفل و جمعی در ایران فیش های حقوقی چند صد میلیونی مدیران موسسات و بنگاه های دولتی است. مردم دارند حساب و کتاب میکنند که حقوق های این حضرات چند صد برابر حداقل دستمزد کارگران است. موجی از خشم علیه نابرابری و فقر سراسر جامعه را فرا گرفته و رو به گسترش است. همه بخش های بورژوازی ایران از خامنه ای و روحانی و دیگر بخش های دولت اسلامی گرفته تا بی بی سی و اپوزیسیون استحاله چی، و همینطور راست های سرنگونی طلب، همه و همه به تکاپو افتاده اند. هریک دارند میکوشند تعبیر و تفسیر خود را به خورد جامعه دهند و این نفرت بحق از نابرابری را مهار کنند.

خامنه ای و روحانی سعی میکنند خشم جامعه را اینگونه تخفیف دهند که بعله چند مدیری اینجا و آنجا حقوقهای بالا گرفته اند و انشاء الله رسیدگی میشود. اینها میکوشند دولت اسلامی سرمایه را از زیر تیغ خشم مردم در ببردند.

### حقوقهای نجومی جلوه دیگری از ...

از صفحه ۲

دریافت کرده و یا در روند تصویب و پرداخت آن نقش داشته و از آن مطلع بوده اند باید تحت تعقیب قرار بگیرند و به محاکمه کشیده بشوند. مساله هم فقط به چند مدیر دولتی و مقامات معدودی که اسمشان افشا شده محدود نمیشود. همه مقامات بالای حکومت از رئیس جمهور گرفته تا وزرا و وکلا و مدیرکل ها و امرای سپاه و ارتش و غیره حقوقهای هنگفتی دریافت میکنند که مبلغ آن چندین ده برابر حقوق یک کارمند عادی و یا کارگر است. باید میزان حقوق همه مقامات علنی اعلام بشود. اگر حتی یکی از اقلام حقوقهای نجومی افشا شده در ایران در هر جامعه ای با حداقلی از حساب و کتاب اعلام شده بود مردم دولت مربوطه را یک شبه وادار به استعفا کرده بودند. فرق جمهوری اسلامی با

انترناسیونال: افشای حقوق های نجومی نفرت و بیزارای علنی مردم را بنیان داشته است. در واکنش به این واقعه چه توقعات و خواسته هایی میتواند مطرح شود؟ فراخوان شما به مردم چیست؟

حمید تقوایی: اولین خواست حسابرسی و محاکمه علنی کل مقامات و مسئولینی است که چنین حقوقهای نجومی ای دریافت کرده اند و یا در تصویب و پرداخت این مبالغ هنگفت نقش داشته اند. طبق حتی قوانین موجود سقف حقوقها نباید از هفت برابر حقوق پایه یک کارمند عادی بیشتر باشد. خود این قانون بشدت تبعیض آمیز است اما حتی بر مبنای همین قانون همه کسانی که این حقوقهای هنگفت را

عبدی که حمایت وسیعی را بخود جلب کرده است بر خواست افزایش دستمزد کارگران و حقوق معلمان تاکید شده است. این بیانیه پلاتفرمی برای اعتراض کل جامعه است. مبارزه برای افزایش دستمزدها امر مبرم نه تنها کارگران و معلمان بلکه همه کارکنان و حقوق بگیران عادی و توده نود و نه درصدی مردم است. این مبارزه بالقوه میتواند بخش عظیمی از مردم را در کنار و همروش جنبش کارگری بمیدان بیاورد و جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کند. این يك گام مهم در بجالش کشیدن کل نظام دزدی و چپاول جمهوری اسلامی است. "سونامی فیشهای حقوقی" را میتوان باید به سونامی کل نظام اسلامی سرمایه تبدیل کرد.

تشکلهای کارگری و احزاب و نیروهای چپ خواست افزایش حداقل دستمزد به سطح لااقل خط فقر رسمی (سه و نیم میلیون تومان) را مطرح کرده اند. اکنون که روشن شده است حقوقهای بیش از بیست برابر این مبلغ به مدیران و مقامات بالای دولتی پرداخت میشود همه استدالات مخالفین رقم سه و نیم میلیون تومان حداقل دستمزد مبنی بر اینکه این رقم با شرایط اقتصادی ایران خوانائی ندارد، واقع بینانه نیست، دولت بودجه ندارد و غیره و غیره دود میشود و به هوا میروند. افشاگری از حقوقهای نجومی در واقع افشاگری از مخالفین افزایش سه و نیم میلیونی دستمزدها نیز هست. در این شرایط باید با حق بجانبی و جدیت و تعرض بیشتری مبارزه برای افزایش دستمزدها را پی گرفت و به پیش برد.

در بیانیه مشترک عظیم زاده-

بقیه دولتها اینست که مساله به دزدی و فساد این یا آن مقام محدود نیست بلکه همه مقامات از بالا تا پائین و در واقع کل سیستم را در بر میگیرد. مردم باید برای برچین کل این سیستم بمیدان بیایند. نیروها و احزاب چپ و انقلابی، فعالین جنبش کارگری و سایر جنبشهای اعتراضی باید بر متن هر افشاگری حکومتی ها از یکدیگر واقعیت فساد و دزدی کل نظام جمهوری اسلامی را در برابر انظار جامعه قرار بدهند و کل این نظام را بجالش بکشند. از سوی دیگر افشای این حقوقهای نجومی بار دیگر شکاف و تفاوت عظیمی که بین حقوقها در جامعه وجود دارد را برجسته میکند و در محور توجه جامعه قرار میدهد. در این شرایط میتوان و باید با تاکید و مبرمیت بیشتری مبارزه برای افزایش دستمزدها را در دستور قرار داد. فی الحال فعالین و

## یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

### جنبش اعتراض به شلاق و تقلاب‌های مقامات

حکام شلاق و زندان کارگران را متوقف کنید!

چهار تشکل کارگری

در هفته گذشته عده‌ای از نمایندگان مجلس اسلامی طرح رسیدگی به مساله شلاق کارگران آق دره را در دستور کار خود قرار دادند. به گزارش خبرگزاریها در این طرح «نحوه اجرای احکام صادره در مورد شلاق خوردن کارگران» و «تطبیق عملکرد مسئولین با قوانین موجود در این موضوع» مورد بررسی قرار گرفته است.

زمینه ساز این عطف توجه مجلس اسلامی به مساله شلاق بالا گرفتن اعتراضات مردم است. اجرای حکم شلاق علیه کارگران آق دره ابراز انزجار و اعتراض بسیاری از فعالین و نهادهای کارگری و معلمان و نویسندگان و زندانیان سیاسی و هم چنین تشکلهای کارگری جهانی را بدنبال داشت. آخرین نمونه انتشار بیانیه مشترکی از جانب چهار تشکل کارگری - انجمن صنفی کارگران چادرملو، انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان، انجمن صنفی کارگران خبازی‌های سنندج و حومه و انجمن صنفی کارگران خبازی‌های مریوان و سروآباد - در اعتراض به حکم شلاق در هفته جاری بود.

این اعتراضات و فشارها حکومتی‌ها را به تقلا واداشته است. برکناری فوری مدیر کل کار استان آذربایجان غربی، اظهار تاسف برخی از مقامات دولتی و اعتراض به غیرمنصفانه بودن این حکم توسط تشکلهای «کارگری» دست ساز حکومتی از جمله این تقلاب‌ها است. این یک عکس العمل تدافعی به موج اعتراضی در میان کارگران و کل جامعه است. طرح مساله شلاق در مجلس اسلامی را نیز باید در ادامه همین عکس العمل دفاعی حکومتیها در برابر فشار از پائین به حساب آورد.

این فشار باید ادامه پیدا کند. مجلس اسلامی و دار و دسته‌های حکومتی تلاش میکنند مساله را به صدور این یا آن حکم معین شلاق تنزل بدهند. اما خواست کارگران و توده مردم ممنوعیت فوری و کامل مجازات شلاق است. شلاق نوعی شکنجه مربوط به عصر برده داری است که حکومت اسلامی بعنوان مجازات علیه کارگران و زنان و جوانانی که برای حقوق پایه‌ای خود مبارزه میکنند اعمال میکند. این جنایت باید فوراً متوقف و ممنوع شود. مساله مردم نفس توحشی

صفحه ۱۲

### خامنه‌ای و معضل "بچالش کشیده شدن حکومت به هر بهانه‌ای!"

به گزارش سایتهای خبری روز شنبه ۲۹ خرداد خامنه‌ای طی سخنرانی‌ای در دیدار با جمعی از اساتید و دانشجویان از «مخالفت با انقلاب» در محیط‌های دانشگاهی، «به کارگیری عناصر نامطمئن» در دانشگاه‌ها، برگزاری «اردوهای مختلط» برای دانشجویان و اجرای «کنسرت و حرکات موزون» انتقاد کرد. از نفس انتقاد از اردوهای مختلط و کنسرت و حرکات موزون (!) میتوان منظور خامنه‌ای را از «مخالفت با انقلاب» و «عناصر نامطمئن» دریافت. «انقلاب» از نظر خامنه‌ای و نظام متبوعش آپارتاید جنسی و ماتم و عزا است و «ضد انقلاب» دانشجویانی هستند که میخواهند دیوارهای آپارتاید و جداسازی بین زن و مرد را در هم بشکنند، شاد باشند، کنسرت برگزار کنند و به کنسرت بروند و به موسیقی مطلوب خود گوش بدهند. به این معنی نه تنها دانشجویان بلکه اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران «ضد انقلاب» هستند!

خامنه‌ای در همین سخنرانی از گزارش‌های حاکی از «گرایش به سوی جانبداری از جریان‌های مخالف نظام در برخی دانشگاه‌ها»، اظهار نگرانی میکند و میگوید «کسی که به هر بهانه‌ای مانند انتخابات و امثال آن، نظام را به چالش می‌کشد، نامطمئن است و صلاحیت حضور در دانشگاه‌ها را ندارد». به عبارت دیگر به اعتراف رهبر جمهوری اسلامی مساله از اردوهای مختلط و موزیک و رقص فراتر میرود. معضل اصلی حکومت وجود کسانی است که به هر بهانه‌ای حتی انتخابات نظام را چالش میکشند! اما این چالش تنها مختص به دانشگاهها نیست، کل جامعه را در بر میگیرد. کسی که صلاحیت حضور در جامعه را ندارد نه توده مردم بلکه حکومتی است که از بدو بقدرت رسیدنش توسط دانشجویان و زنان و کارگران و توده مردم در هر فرصت و بهانه‌ای بچالش کشیده شده است.

### علت گسترش بی‌حجابی چیست؟

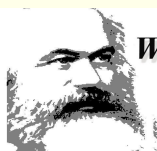
بخش در سالهای گذشته نه تنها به بحث رفع بداخلاقی‌های اجتماعی اعم از بدحجابی و بی‌حجابی ورود نکردیم بلکه برخی اقدامات غیرکارشناسی و سلیقه‌ای مسئولان در سالهای گذشته سبب شد که این روند متأسفانه نیز تشدید شود. ... اکنون به اینجا رسیدیم که از بدحجابی در حال رفتن به سمت بی‌حجابی هستیم.

این نوع کله و شکایتها بیشتر نشانه استیصال حکومت در مقابل جنبش بی‌حجابی است. مقامات و مسئولین در مقابل با بدحجابی نه برخورد سلیقه‌ای و «غیر کارشناسانه» داشته‌اند و نه هیچ کوتاهی‌ای از خود نشان داده‌اند. جمهوری اسلامی از همان بدو بقدرت رسیدنش با گله‌های حزب الله و خواهران زینب و پونز و اسید و سپس با گشتهای ارشاد و پلیس اخلاقی و این اواخر گشتهای نامحسوس فعالانه «به بحث رفع بداخلاقی‌های اجتماعی اعم از بدحجابی و بی‌حجابی» ورود کرده است اما نتوانسته است «امنیت اخلاقی» مورد نظر خود را به جامعه تحمیل کند. سیر حرکت جامعه از بدحجابی به بی‌حجابی در واقع سیر بی‌تأثیری و ورشکستگی تلاشهای سرکوبگرانه حکومت برای تحمیل حجاب اسلامی و بی‌حقوقی به زنان است. مشکل جمهوری اسلامی کوتاهی مسئولین و یا اقدامات غیر کارشناسی نیست، ناتوانی و استیصالش در برابر جامعه‌ای است که اخلاقیات پوسیده و قوانین متحجر و زن ستیز حاکم را نمی‌پذیرد و به آن تن نمیدهد!

«تصمیمات سلیقه‌ای برخی افراد بدحجابی را به سمت بی‌حجابی سوق داد»  
معاون اجتماعی قوه قضائیه

این آخرین اظهار نظر مقامات در مورد حجاب هم بیانگر گسترش بی‌حجابی در جامعه و هم حماقت - و یا خود را به حماقت زدن - مسئولین در شناخت علل این امر است. عامل بی‌حجابی نه برخوردهای سلیقه‌ای است و نه هجمه فرهنگی غرب و نه از دست رفتن «امنیت اخلاقی» در جامعه. مساله به سادگی اینست که حجاب نماد و مظهر بی‌حقوقی زنان در جامعه و در خانواده است. اخلاقیات و مقدسات و قوانین عتیقه اسلامی زنان را در همه زمینه‌ها - از حق ازدواج و طلاق و مسافرت گرفته تا قوانین ارث و میراث و تا تفریح و ورزش و حتی حضور در استادیومهای ورزشی و غیره و غیره - موجوداتی بی‌اختیار، نیمه مرد و تحت قیمومیت مردان قلمداد میکند. حجاب اسلامی مظهر این بی‌حقوقی و اهانت و تحقیری است که در حق زنان اعمال میشود. و به همین دلیل بی‌حجابی یک اقدام اعتراضی جامعه به کلیه این بی‌حقوقی‌ها و بچالش کشیدن جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت فوق‌ارتجاعی و زن ستیز است.

جناب معاون قوه قضائیه می‌گوید «مسئولان ایجاد ناهنجاری‌هایی مانند طلاق و حاشیه‌نشینی و اعتیاد مشخص شده است اما متأسفانه در خصوص امنیت اخلاقی این اتفاق نیفتاده است و ما در این



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpiiran.org

# کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

## سونامی حقوقهای نجومی و دستمزدهای چند بار زیر خط فقر

رو شدن فیش های حقوقی "مدیران رده بالای حکومتی از سوی باند خامنه ای علیه باند رفسنجانی و روحانی، و متقابلاً به میان کشیده شدن دزدی های دولت های قبلی و مقامات مختلف حکومتی، به جنگ و جدالی بزرگ در درون حکومت تبدیل شده است. از جمله فیش های حقوقی تعدادی از مدیران دولت حسن روحانی نظیر مدیران بیمه مرکزی ایران، مدیران تعدادی از بانکها مثل بانک رفاه و رئیس صندوق توسعه ملی نشان میدهد که در برخی ماهها دهها میلیون تومان و گاه حتی صدها میلیون تومان به حساب آنان واریز شده است. و در تازه ترین مورد صحبت از فیش حقوقی سال ۹۴ سید مجتبی فهمیم هاشمی، رئیس هیات مدیره بازنشسته بانک تجارت است که گویا در دی ماه سال ۹۴ جدا از فیش های ماهانه، مبلغ ۴۸۰ میلیون به حساب وی واریز شده است. و یا صحبت از اختصاص پاداش ۲۸ میلیارد تومانی به مدیران ارشد سازمان مدیریت است که از سال ۹۳ تاکنون از محل ردیفهای متفرقه بودجه این مبلغ پرداخت شده است و خلاصه لیست طولی از این دست بچاپ بچاپ کردن ها بر ملا شده و نزعاعشان آنچنان بالا گرفته است که دولت دستور تشکیل کمیته ای به نام "رسیدگی و تطبیق" را داده است. دارند از "سونامی حقوقهای نجومی" سخن میگویند. هر طرف دزدیهای طرف مقابل را به رخ میکشد و در پس افشای دزدیهای نجومی یکدیگر و این جنگ و جدالها، شکست برجام و همه آمال و امیدشان نهفته است. بدین ترتیب از یکطرف سونامی حقوقهای نجومی و از سوی دیگر سونامی بیکاری و فقر و فلاکت مردم میروید که کل حکومت را در خود فروبرد. نکته مهم اینجاست که در برابر این دزدی ها و حقوق های نجومی

آنچنانی، جنبش برای خواست افزایش دستمزدها، جنبشی که مدتهاست صدای اعتراض را علیه فقر و فلاکتی که زندگی کل جامعه را به تباهی کشیده است بلند کرده و با کارزاری با خواست افزایش دستمزدها به رقصی بالاتر از خط فقر یعنی بالاتر از سه میلیون و پانصد هزار تومان، در جریان است، باید قد علم کند و رساتر از هر وقت صدای اعتراض را علیه دستمزدهای ۸۱۲ هزار تومانی چند بار زیر خط فقر و حقوقهای نجومی آنچنانی بلند کند و خواستار زندگی ای انسانی شود.

### یک عقب نشینی

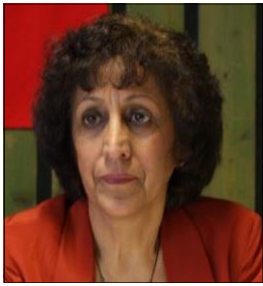
یکی از موضوعات خبر ساز در هفته گذشته، خبر مربوط به اعتراضات کارگران شهرداری منطقه ۴ اهواز بود. نکته قابل توجه در این اعتراضات عکس العمل مقامات دولتی است. بنا بر خبرها هوشمند صفایی مدیر کانون اداره کار اهواز در یک عقب نشینی بزرگ در نشست "هم اندیشی با رسانه ها" در سالن جلسات این اداره کل چنین میگوید: "بازداشت کارگران شهرداری اهواز غیرقانونی بود و اگر موضوع حل نشود پرونده را در هیات های حل اختلاف طرح کرده و حقوق کارگران را از این طریق دنبال می کنیم." او سپس توضیح داده و میگوید: "اعتراض کارگران شهرداری اهواز امنیتی نبود، بلکه مطالبه کارگران کاملاً صنفی و به حق بود که به آن جنبه امنیتی داده شد." و در خاتمه میگوید: "تمام مسوولان و دست اندرکاران بازداشت کارگران شهرداری اهواز باید از آن ها عذرخواهی و دلجویی کنند."

اظهارات مدیر کل اداره کار اهواز بطور واقعی نتیجه مبارزات موفق کارگران شهرداری اهواز و هراس از انعکاس وسیع این اعتراضات در فضای پر ملتتهب اعتراضی در خوزستان و اساساً در تمامی محیط های کارگری است. این اظهارات در عین حال عقب نشینی مقامات حکومتی در مقابل کارزاری است که علیه امنیتی شدن

مبارزات کارگران، معلمان و تمامی فعالین اجتماعی و سیاسی به راه افتاده است و آغازگرانش جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری و اسماعیل عبیدی از رهبران اعتراضات معلمان بودند که بیبینه اش را از زندان دادند و خواستار لغو تمام پرونده های مفتوحه تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت ملی برای کارگران، معلمان و فعالین سیاسی شدند. کارزاری که به گفتمانی وسیع در میان کارگران تبدیل شد و حمایت های بسیاری را در ایران و از سوی نهادهای کارگری و انساندوست در سطح جهان را در پی داشت. اکنون لغو پرونده ۲۰ کارگر بازداشتی شهرداری اهواز از جمله خواستهای فوری کارگران شهرداری اهواز است. این کارگران در جریان تجمع اعتراضی ای که کارگران شهرداری اهواز در ۲۳ خرداد در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده شان داشتند، بازداشت شده بودند. اما کارگران به اعتراضشان ادامه دادند، و در نتیجه کارگران بازداشتی پس از ۵ روز با قید وثیقه آزاد شدند و یک ماه از طلبهای کارگران پرداخت شد.

### کارزار عظیم اعتراض علیه امنیتی کردن اعتراضات کارگران و مردم

کارزار علیه امنیتی کردن اعتراضات کارگران، معلمان و مبارزات مردم بخاطر حق و حقوقشان و با خواست مشخص لغو پرونده های مفتوحه با اتهاماتی چون "اقدام علیه امنیت ملی" میروید تا به جنبش اجتماعی بزرگی تبدیل شود. دامنه حمایت ها از این خواست هر روز گسترده تر میشود و مهمتر از آن دارد به گفتمان کارگران در اعتراضاتشان تبدیل میشود. یک نمونه برجسته آن در اعتراضات کارگران شهرداری اهواز رخ داد و در آن کارگران خواستار لغو پرونده های قضایی تشکیل شده برای ۲۰ همکار بازداشتی شان که بعد از ۵ روز با فشار اعتراضات آنان آزاد شدند، هستند. بعلاوه انعکاس این جنبش را در اظهارات مقامات مختلف حکومتی به روشنی می بینیم. از



مبارزات کارگران سخن گفته و خواستار عذر خواهی از کارگران میشود. در حالیکه قبلا طی حکمی از سوی دادستانی خوزستان اعلام شده بود که به هر گونه تحصن کارگری برخورد میشود. و کارگران برای شکایاتشان فقط میتوانند به دادگستری شهر مراجعه کنند.

کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض جامعه، ادامه دارد. جایگاه عملی این کارزار دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، و آزادی های پایه ای برای کارگران و کل مردم است. در این هفته در سطح بین المللی اتحادیه های کارگری پست و بریتیش کلمبیا و شورای اتحادیه های کارگری ونکور در کانادا، اتحادیه کارگران متال در آلمان و اتحادیه سراسری کارگران در نورژ طی نامه هایی حمایت خود را از جعفر عظیم زاده و خواستهایش و از تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی اعلام داشتند. همچنین حمایت از جعفر عظیم زاده و خواستهایش یک موضوع مهم در کنفرانس روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در اسلو، در نورژ بود و طی بیانیه ای از وی خواسته شد که با اتکا به حمایت عظیم بین المللی به اعتصاب غذایش خاتمه دهد. و این کنفرانس جمهوری اسلامی را مسئول وارد شدن هر گونه آسیب جانی و جسمی به جعفر عظیم زاده اعلام داشت. بعلاوه در این هفته بیش از صد نفر از فعالین سیاسی از ایران و در خارج کشور طی نامه ای حمایت خود را از جعفر عظیم زاده و خواستهایش اعلام کردند. هر قدم از پیشروی این کارزار گشایشی در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و تحمیل آزادی های هر چه بیشتر در سطح جامعه است. با حمایت وسیع از این کارزار صدای اعتراض جعفر عظیم زاده در همه جا باشیم.





## فوتبال بی تقصیر است!

### شهاب بهرامی

روز ۱۰ جون با بازی نه چندان تماشاایی تیمهای فرانسه و رومانی، جام ملت‌های اروپا در شهر پاریس آغاز شد. قبل از شروع جام، دولت "فرانسوا اولاند" سخت مشغول سرکوب و قلع و قمع اعتصابات کارگری و اعتراضات و تظاهرات خیابانی بود. هم‌زمان در کریدورهای پارلمان شان مشغول طرح توطئه و تصویب قوانین ضد کارگری و زدن تئمه خدمات اجتماعی بودند. برگزاری این جام در فرانسه آن مانده آسانی بود که به کمک این دولت‌تردان با شرف آمد تا بتوانند با توجیه خطر "حملات تروریستی"، جامعه فرانسه را بیش از هر زمان پلیسی کرده و صدای هر اعتراضی را به ضرب قانون و نود هزار نیروی انتظامی خاموش کنند. حتی حمله جنایتکارانه اسلامی‌ها به دفتر "شارلی هبدو" و بمب گذاریهای خونین آنها در پائیز گذشته، چنین مجوزی به دولت فرانسه نداد تا دست به چنین عملیات گستاخانه ای جلو چشم جهانیان بزند.

استفاده و به خدمت گرفتن صنعت فوتبال برای نیل به مقاصد سیاسی چه در سطح کشوری، چه قاره ای یا جهانی مختص فرانسه نیست، خونتاه و حکومت‌های نظامی دست پرورده "سی آی ا" در آمریکای لاتین از این منظر پیشکشکوت ترند. برگزاری بازیهای جهانی فوتبال در برزیل و مکزیک و آرژانتین در دهه های پنجاه و شصت و هفتاد میلادی، قبل از هر چیز بمنظور سرپوش گذاشتن بر سرکوبهای خونین چپ‌ها و جنبشهای سوسیالیستی و کارگری، همچنین کسب اعتبار و مشروعیت سیاسی در سطح جهانی و به طبع آن ورود صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و دیگر سرمایه گذاران ریز و درشت به آنجا بود، در عین حال نباید نقش مافیای فیفا "فرانسویون جهانی فوتبال" در همه این بند و بست‌ها و زده بندهای آشکار و نهان را نادیده گرفت. سال گذشته به دنبال افشای ده‌ها سند داخلی معلوم شد که پدر خوانده‌های مافیای فیفا برای برگزاری جامهای جهانی ۱۹۹۸

فرانسه ۲۰۱۸ روسیه و قطر ۲۰۲۲ رشوه‌های کلانی دریافت نموده که عمدتاً به حساب‌های شخصی واریز شده‌اند. در چنین رویدادهای مهم ورزشی، معاملات میلیاردی تعیین می‌کند کدام تیمها به مراحل پایانی رقابتهای راه پیدا کنند، اسپانسرها، شهرهای مورد نظر را دیکته می‌کنند. غول مدیا و کانالهای تلویزیونی، زمان و ساعت شروع بازیها را تعیین و موسسات شرط بندی هم دستی در انتخاب داوران مسابقات دارند و همه اینها بدون وجود مافیای فیفا که تسلط عجیبی حتی در جزئیات فوتبال جهانی دارد قطعاً میسر نمی‌شود. بازیکنان، مربیان و مشاورین و کلا هیأت ورزشی تیمهای شرکت کننده کوچکترین تأثیری در روند برگزاری این رویدادهای مهم ورزشی ندارند، حتی رای شان از پیش خریداری شده است.

روزگار به گونه ای است حتی سیاستمداران ریز و درشت برای به روز کردن خود لازم می‌دانند در حین ژست مثلاً دوستدار محیط زیست بودن، خود را هم طرفدار پروپا قرص فوتبال به شمار آورند تا در انتخابات بعدی رای شان آسیب نبینند، دیروز برای این منظور صلیب بر گردن می‌آویختند و امروز توپ فوتبال بر سینه می‌زنند. چرا چنین است؟ چرا سیاست و اقتصاد، چرا سرمایه‌های عظیم مالی به کمک ژورنالیسم گوش به فرمانش، از این پدیده زیبای ورزشی چنین صنعت سوداگری ساخته‌اند که بر همه جوانب زندگی سایه افکنده اما هنوز محبوب‌ترین ورزش تاریخ معاصر است، چرا فوتبال این چنین مورد استقبال جامعه جهانی است؟ راز این محبوبیت، راز این عشق ورزیدن بدان در چیست؟

شاید جواب در توانایی ذهن پیچیده بشر در، درهم تنیدن گذشته، حال و آینده است که خویشتن را در اکنونیت حال فرو برده تا خود را از رنج گذشته و کابوس آینده برهاند و در خلصه ای مملو از هیجان و آرزوهای دست نیافتنی غرق سازد.

شاید هیجان، زیبایی، سادگی کار جمعی، سرعت، تمرکز و ذکاوت، تحرک و قدرت بدنی با ملغمه تکنیک فردی این جادوی آتشین و جذاب، آن ویژگی‌هایی باشد که فوتبال را به مقبولترین کالای جهان معاصر نشانده و افسونگرانه جهانیان را محصور خویش ساخته است. شاید قدرت وهم انگیز و گیگانت تبلیغات باشد و شاید همه اینها.

انسان اسیر و به استیصال گرفتار شده، اما در این بازی زیبا و فریبنده، راه‌هایی خویش را می‌جوید، این جادوگر زیبا رو و شوخ چشم نه تنها افکار که رویاهای این مخلوق به تنگنا افتاده را نیز دریبیل می‌زند. دنیای امروز بیش از هر زمان، دنیای انسان از خود بیگانه شده است انسانی که فردگرایی و رقابت در عرصه اجتماعی رُمقش را گرفته و به دنیای واهی توهمات رانده است. فوتبال امروز محصول چنین جامعه ای است جامعه‌ای که محتاج توهم و خودفریبی است، انعکاسی نمادین از نظمی است که تار و پودش با رقابت درهم تنیده است. بنابراین پندار طلب خوشبختی برای این توده میلیونی جز با طلب برانداختن شرایطی که نیازمند توهم است امکان پذیر نیست.

عشق عمیق آدمی به فوتبال شاید ضرورتی است برای فرار از این حقیقت، از واقعیت تلخ زندگی. پس از زندگی واقعی دست می‌شوید و با افیون فوتبال و مخدر پرچمش، نو می‌دانه با پشت کردن به جامعه انسان گرا تلاش می‌کند روح سرگردانش را لگام‌زند. فرار ضروری از زندگی واقعی یا بعبارت دقیقتر طرد شدن ضروری بوسیله وضعیت موجود، توجهش را به زندگی قهرمانان این عرصه می‌کشاند. سرمایه سوداگر، قهرمانانی با ابعاد غیر زمینی با درآمدهای نجومی که هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند را به جامعه عرضه می‌دارد. "مسی" ها، "رونالدو" ها و دیگر ستارگان و قهرمانان قرار است راه موفقیت و پولدار شدن را نشان دهند، که فرد می‌تواند اگر خواهد. از قرار، دوران قهرمانی گذشته

در زمین فوتبال شاید برای همیشه بتواند توپ چرمی را جایگزین گلوله های توپ کند، آری فوتبال می‌تواند چرا که نشان داده است در جهان فرد گرا هم می‌شود با یک جمع و برای یک جمع تلاش کرد و موفق شد، فوتبال این عرصه خلاقیت‌های پایان ناپذیر فرد و جمع، میدان و سوسه های شکوهمند و بلند پرواز، این دنیای پیش بینی ناپذیر، اکسیر عام طلب خوشبختی، آینه‌ای تمام قد از جهان وارونه، هنوز گرما بخش سردی زندگیها است. باری... در هر حال فوتبال بی تقصیر است.

است ولی برای جوانانی که تبلور آرزوهای دست نیافتنی خویش را هنوز در وجود قهرمانان شان می‌بینند، در جستجوی جایگاهی در منجلاب دوران بازگشت به گذشته اند، ابر انسان را می‌جویند تا تجلی خویشتن خویش را بجویند، بنظر اما رسالت قهرمانان عصر ما اگر رسالتی باشد این است که حواریون سرگشته، این خیل عظیم شکست خورده و تحقیر شده را به هستی منفرد انسانی وصل کنند و البته ناکام هم نمانند.

اروپا به قدمت فوتبالش جنگهای خونینی منجمله دو جنگ جهانی را تجربه کرده است اما جنگ

### مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان

اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: [nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

# گزارش کنفرانس اسلو به مناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران ۲۰ ژوئن ۲۰۱۶

در جواب به ضرورت سازماندهی يك همبستگی جهانی در دفاع از زندانیان سیاسی در ایران و هماهنگ کردن يك صدای جهانی، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در سال ۲۰۱۰ روز بیستم ژوئن را که برابر با سی خرداد میباشد به عنوان روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی اعلام کرد و از تمامی افراد، تشکلهای و احزاب مدافع آزادی زندانیان سیاسی دعوت کرد که علیرغم اختلافات فکری و یا سازمانی، یکپارچه و همصدا در سطح دنیا در يك روز معین، صدای زندانیان سیاسی باشند. بیستم ژوئن برابر با سی خرداد به دو مقطع تاریخی مهم و در عین حال دردناک اشاره دارد. مقطع سرکوب اعتراضات مردم در بیستم ژوئن (سی خرداد) سال ۲۰۰۹، کشتن ندا آقاسلطان و دستگیری هزاران نفر در آن روز، و مقطع دوم دستگیریها و سرکوبهای وسیع در سال ۶۰ که با ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ آغاز شد. این روز به يك معنی مبارزه دو نسل از آزادیخواهان، دو نسل از زندانیان سیاسی را به هم پیوند میدهد و جنایات رژیم را در طول کل حاکمیتش افشا میکند. این روز مشخص که هر ساله در سطح بین المللی برگزار میشود مانند سایر مناسبتهای جهانی، کمک میکند که میلیونها نفر همزمان توجهشان به جنایات جمهوری اسلامی در زندانها جلب شود، حمایت از زندانیان سیاسی را در اذهان زنده نگه دارد، تعداد وسیعتری به مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بپیوندند و رژیم را در سطح وسیعتری تحت فشار قرار دهد. در فردای سرنگونی رژیم اسلامی، این روز یادمان تمام زندانیان سیاسی خواهد

شد که در طول حاکمیت این رژیم جان باخته اند. در این راستا روز ۱۸ ژوئن ۲۰۱۶ برابر با ۲۹ خرداد ۱۳۹۵ اسلو به پیشواز بیستم ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی ایران رفت و یکی از ۲۰ شهر برگزار کننده مراسم ۲۰ ژوئن قرار گرفت. کنفرانس حمایت از زندانیان سیاسی ایران در اسلو به مناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی با حضور سخنرانان و چهره های شناخته شده و محبوب اجتماعی سیاسی از داخل و خارج ایران با موفقیت برگزار شد. کنفرانس با تصویب پیامی خطاب به جامعه جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران و يك بیانیه در حمایت از خواستهای جعفر عظیم زاده به کار خود پایان داد. کنفرانس با يك دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی شروع شد و سپس سرور کاردار مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی برنامه به زبان نروژی شروع کنفرانس را اعلام نمود. سرور کاردار ضمن خوشامدگویی به حاضران و سخنرانان کنفرانس با اشاره به مداخلات دولتهای غربی در سایه مذاکرات هسته ای و برجام نسبت به جنایات دولت روحانی، بر اهمیت فعالیت های اجتماعی برای آزادی و رهایی در ایران به مبارزات رهبران جنبش کارگری به عنوان نقطه عطف این مبارزات تاکید کرد و با مطرح کردن بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی و دلایل اعتصاب غذای عظیم زاده با خواست حمایت جهانی برای آزادی وی و دیگر زندانیان سیاسی سخنان خود را به پایان برد. شیوا محبوبی سخنگویی

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی دومین سخنران این کنفرانس ضمن خوشامدگویی به حضار و مدعوین به زبان انگلیسی و فارسی سخنان میسوطی در مورد وضعیت خانواده های زندانیان سیاسی که در زیر فشار مضاعف هستند ایراد نمود. شیوا در بخشی از سخنان خود گفت: این بزرگترین افتخار برای من است که صدای خانواده های زندانیان سیاسی باشم ولی تاکید کرد که هیچکس نمیتواند به غیر از خود این خانواده ها بیانگر درد و رنج آنها باشد. در ادامه وی به نامه نیما ابراهیم زاده فرزند بیمار بهنام ابراهیم زده اشاره کرد و آنرا بازخوانی کرد. شیوا در بخش دیگر سخنان خود گفت وقتی ۱۷ تن از کارگران آقا تپه را شلاق زدند این شلاق ها در واقع بر تن خانواده های آنها فرود آمد. خط، فقر، نامنی، و رنج بی پایان. وی از حضار خواست که با توان و انرژی بیشتری صدای درد و رنج این عزیزان باشند. شیوا محبوبی سخنان خود را به زبان انگلیسی به پایان برد. دیگر سخنرانان این کنفرانس عبارت بودند از: فعال کارگری و زندانی سیاسی سابق محمود صالحی از ایران که در سخنان خود تاکید بر ایجاد تشکلهای حمایت مالی مستقیم به خانواده زندانیان سیاسی کرد. وی با توضیح این که اکثر زندانیان سیاسی با هزینه های سنگین دارو و درمان مواجه هستند به اهمیت کمک مالی به این عزیزان تاکید نمود. شعله پاکروان مادر ریحانه جباری و فعال جنبش بر علیه اعدام از ایران دیگر سخنران این کنفرانس در بخشی از سخنان خود گفت از فرزندم درس مقاومت و آزادی گرفتم و

از وی آموختم که برای رسیدن به عدالت باید جنگید. وی بر اهمیت ایستادگی در مقابل تجاوز به حقوق انسانها تاکید و خواستار لغو اعدام در کشور شد. گلرخ ابراهیمی همسر آرش صادقی یکی دیگر از سخنرانان میسوطی از وضعیت همسر خود ارائه داد. لازم به ذکر است خود گلرخ به ۶ سال حبس محکوم شده و به علت بیماری با قید ضمانت تحت درمان میباشد و خطر به زندان رفتن هر لحظه وی را تهدید میکنند. بازجویان زندان اوین با تهدید به آرش صادقی گوشزد کردند که از هرگونه فعالیت در این زندان خودداری کنند. در همین حال مسئولین زندان از دریافت وسایل شخصی وی خودداری کردند. وی بعد از تهدید به بند هشت زندان اوین منتقل شده است. در حالی این زندانی سیاسی در زندان اوین مورد تهدید قرار میگیرد که پیشتر بازجویان با پرونده سازی، حکمی ۱۹ ساله را بر اساس اتهامات واهی به وی ابلاغ کرده اند. در اینجا لازم است به بخشی از اتهامات مندرج در پرونده آرش صادقی اشاره کنیم: «ملاقات و دیدار با هشت زندانی (امنیتی) آزاد شده»، «دیدار با خانواده ستار بهشتی به همراه تعدادی از دوستان هم بندی زندان اوین»، «دیدار با خانواده های کشته شده های بعد از انتخابات ۸۸»، «نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام از طریق اشتراك گذاری مطالب و تصاویر پیرامون آزادی زندانی سیاسی (امنیتی) در صفحه فیس بوك شخصی»، «ایجاد صفحه در فیس بوك به نام فردی سعید شیرزاد و احمد شاهرضایی»، «تهیه و امضای نامه ای خطاب به احمد شهید».

هاشم خواستار، دبیر کانون صنفی معلمان مشهد از ایران سخنان خود را با تشکر از حضار و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی شروع کرد. در بخشی از سخنان خود گفت ملت ایران ۱۵۰ سال است که برای آزادی مبارزه می کند. وی گفت آزادی بها دارد. و وجود زندانی سیاسی سندی است بر عدم وجود آزادی در کشور. وی گفت تمامی ملت های خوشبخت برای خوشبختی مبارزه کرده اند. مقاومت زندانیان سیاسی اعتماد به نفس مردم را برای پیروزی بالا برده و اعتماد به نفس رژیم را شکسته است. او اضافه کرد مقاومت رسول بدایق از این نمونه هاست. وی گفت رسانه ای کردن پرونده زندانیان سیاسی از خط قرمزهای رژیم است و تاکید کرد که رسانه ای کردن زندانی مهم و ضروری است. وی همچنین از زندانیان عادی که در سخت ترین شرایط به سر میبرند نام برد و از آنان به عنوان انسانهایی بی نام و نشان یاد نمود. هاشم خواستار سخنان خود را با تاکید بر اهمیت تجمع و این که حکومت از تبدیل جویبارها به سیل وحشت دارد به پایان برد. افشین ندیمی فعال کارگری و زندانی سیاسی از نسل دوم زندانیان سیاسی سخنان خود را با درود به زندانیان سیاسی محمد صدیق کبودوند و جعفر عظیم زاده شروع کرد و به سوابق سرکوب رژیم از بدو انقلاب تا به امروز پرداخت. وی به سرکوب مردم کردستان، ترکمن صحرا، اعدامهای دسته جمعی سالهای ۱۳۶۰ و سرکوب دانشجویان در کوی دانشگاه و به کشتار مردم در قیام ۱۳۸۸ و اعدام فرزاد کمانگر معلم انقلابی اشاره کرد. وی در قسمتی از سخنان خود گفت من صفحه ۹



## گزارش کنفرانس اسلو ...

از صفحه ۸

امروز در این کنفرانس حد فاصل بین ۲ نسل هستیم. نسلی که سر داد ولی سر نداد، نسلی که نه می‌بخشد و نه فراموش خواهد کرد. نسلی که کشتار و قتل عام را ندید ولی سرکوب و خفقان را دید نسلی که به جای رفاه و خوشبختی تضاد و فقر و بدبختی را تجربه کرد. سپس افسوس از تجربه خود از زندان مخوف سنندج سخن گفت.

احمد موسوی زندانی سیاسی سابق و از فعالین ایران تریبونال - احمد موسوی بطور مبسوط از دادگاه ایران تریبونال گزارشی به کنفرانس ارائه دادند. ایران تریبونال یک دادگاه مردمی بین‌المللی است، که با کوشش گروهی از خانواده‌های جان سپردگان، بخشی از زندانیان سیاسی جان به در برده از کشتارهای دهه ۱۳۶۰، فعالان سیاسی، فعالان کارگری، مبارزان برابری خواه حقوق زنان، و فعالان عرصه هنر، ادبیات، حقوق، کودکان و دیگر زمینه‌های مبارزاتی، از پاییز ۱۳۸۶ کار خود را آغاز کرد. ایران تریبونال، با حمایت گسترده ایرانیان در داخل و خارج کشور، به ویژه خانواده‌های جان سپردگان، موفق شد جمهوری اسلامی را در دو مرحله (لندن و لاهه) به ارتکاب جنایت علیه بشریت محکوم کند. دادگاه که از ۱۸ تا ۲۵ ژوئن سال ۲۰۱۲ در مقر سازمان عفو بین الملل در لندن برگزار شد.

مینا احدی سخنگوی سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام در ایران و موسس شورای مرکزی اکس مسلم سخنرانی خود را با عنوان ۳۰ خرداد و نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم آغاز کرد. وی از ۳۰۰۰۰ سنگ‌های مشهور به سنگ‌های سکندری در کلن آلمان نام برد که در گوشه‌ای از شهر برای یادبود هولوکاست

رژیم نازی آلمان فرش شده اند تا مردم هنگام رد شدن سکندری بخورند برای عدم فراموش کردن این جنایات و اضافه کرد که ۳۰ خرداد ۶۰ برای من یادآور هولوکاست رژیم اسلامی است که به هیچ وجه نباید فراموش شود. مینا احدی شرایط سرکوب ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و درد و رنجی که متعاقب آن به زندانیان و خانواده‌های زندانیان سیاسی تحمیل شد اشاره کرد و گفت هنوز ابعاد این جنات به درستی بازگو نشده است و تنها با سرنگونی این رژیم جنایتکار هست که به ابعاد واقعی آن پی خواهیم برد.

شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و هماهنگ کننده بین‌المللی کمیته همبستگی کارگری ایران سخنان خود را با تبریک و دست مریزاد برای کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به خاطر اعلان روز جهانی برای حمایت از زندانیان سیاسی شروع نمود. وی از ندا آقا سلطان و جانبختگان راه آزادی تجلیل کرد و گفت زندانی سیاسی کیست و توضیح داد که زندانی سیاسی جعفر عظیمزاده است، زندانی سیاسی ۲۴ کارگر شهرداری اهوازی است که زندانی شدند، زندانی سیاسی ۹ کارگر بافق یزد است که بخاطر مبارزات باشکوه ۵۰۰۰ کارگران این معدن ۳ بار محاکمه شدند ولی رژیم نتوانست حکم قطعی صادر کند، زندانی سیاسی آتنا فرقدانی و جوانانی هستند که با موزیک زیر زمینی و سینمای زیر زمینی و غیره در برابر قوانین ارتجاعی اسلامی ایستاده‌اند. زندانی سیاسی زنی است که به آپارتاید جنسی تن نداده است. حجاب بر میدارد و می‌گوید استادبوم ورزشی جای همه است. او به حکم شلاق کارگران آق دره اشاره کرد و موج اعتراضات در این مورد را گوشزد کرد وی به سبیل اعتراضات و نامه به‌آی‌آل او اشاره کرد که چطور خواستار اخراج رژیم از این مجمع شدند. شهلا گفت جنبشی که امروز در خیابان و در کارخانه و در میان جوانان شاهدیم ادامه انقلاب ۵۷ است که هر روز قویتر به جلو می‌رود.

شهلا به جعفر عظیمزاده و پلاتفرم وی برای لغو امنیتی شدن اعتراضات کارگری اشاره کرد و توضیح داد که به یک دوره جدیدی از مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی وارد شده ایم که بی نظیر است. وی به اتحاد معلمین و کارگران اشاره کرد. وی گفت اخلاک‌گر اصلی امنیت جامعه خود رژیم سرمایه است. وی خواهان لغو پرونده‌های امنیتی کارگران شد و گفت معنای واقعی خواست جعفر عظیم زده، آزادی تشکل، اعتصاب و آزادی های پایه ای برای کل جامعه است و اضافه کرد که ما جرم سیاسی نداریم و خواهان آزادی بی قید و شرط بیان و اعتراض و اعتصاب هستیم. شهلا گفت آخرین سلاح نباید اعتصاب غذا باشد، بلکه آخرین سلاح باید تجمع و همبستگی بین‌المللی برای آزادی باشد. و گفت انتظارش از کنفرانس اینست که طی بیانیه‌ای حمایت قاطع خود را از جعفر عظیم زاده و خواسته‌هایش اعلام کند.

پروانه عارف فعال سیاسی و زندانی سیاسی سابق سخنان خود را با یاد قتل عام‌های دهه ۶۰ آغاز نمود و گفت نسل دهه ۶۰ خیلی زود فهمید که انقلابش دزدیده شده است و به مقاومت برخاست. وی گفت پیام آنان حق خواهی بود و این باید حق همه باشد که بگویند نه به اعدام و نه به مشروعیت خشونت. وی گفت قصه‌ای تقدیم کنفرانس می‌کند که تنها قصه فهمیده تقدسی از اتحاد مبارزان نیست ولی قصه ی هزاران زندانی سیاسی اعدام شده است. پروانه قصه فهمیده را در شعری زیبا با تکنوازی خسرو زندی به پایان برد.

کنفرانس اسلو از همه سخنرانان شرکت کننده در کنفرانس که حضوراً و یا اسکایی وارد برنامه شدند کمال تشکر و امتنان را دارد و برای همه عزیزان آرزوی سلامتی و شادکامی مینماید.

به دنبال حمایت‌های بین‌المللی از جعفر عظیمزاده:

کنفدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری - نروژ با ۹۰۰۰۰ عضو در نامه‌ای به علی خامنه‌ای از وی خواست که به آزار و اذیت زندانیان سیاسی و کارگران زندانی پایان دهد و به آزادی هر چه سریعتر آنان اقدام کند. LO\_Norway



در این نامه حمایت صریح و قاطع خود را از جعفر عظیم زده اعلام نمود.

کنفرانس به عمل آمد متأسفانه قادر به این ارتباط نشدیم در نتیجه ناصر زرفشان و عزت مصلا نژاد را برای سخنرانی از دست دادیم. با تشکر از همه عزیزان شرکت کننده در کنفرانس تشکری ویژه داریم از هنرمندان مردمی سیروان قادری، خسرو زندی و مختار برازش که با نواختن موزیک و با صدا و نوای گرمشان کنفرانس را حال و هوایی دیگر دادند.

کنفدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری نروژ LO\_Norway از کنفرانس اسلو حمایت مالی نموده و نیز پیام همبستگی خود را با این کنفرانس اعلام نمود. با تمام تلاشی که برای برقراری ارتباط با ۲ تن از سخنرانان

## پیام کنفرانس

تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد گردند! به مناسبت بیستم ژوئن ۲۰۱۶ برابر با سی خرداد ۱۳۹۵ روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران امسال روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را در شرایطی برگزار میکنیم که پس از توافقات هسته ای، دولت‌های غربی و سازمانها و رسانه هایشان بیش از پیش در کمال بیشرمی در مقابل جنایات رژیم سکوت کرده اند. این سکوت در حالیکه اعدام زندانیان همچنان ادامه دارد؛ شکنجه و فشار و محرومیت از دارو و درمان همچنان به زندانیان تحمیل شده است. تعداد زیادی از زندانیان سیاسی در اعتراض به وضعیتشان مجبور شده اند دست به اعتصاب غذا زده و در شرایط وخیم جسمی قرار گرفته‌اند. امسال اجلاس سازمان جهانی کار با حضور نمایندگان رژیم در حالی برگزار شد که در اواخر فروردین ماه امسال ۱۷ کارگر معدن طلای آق دره تکاب در استان آذربایجان غربی را به جرم اعتراض به اخراج شلاق زدند. این اجلاس در حالی حضور نمایندگان رژیم را پذیرفت که کارگران زندانی همچنان با احکام طولانی مدت در زندانها بسر می‌برند و تعداد دیگری از این فعالین به جرم اعتراض به زندان و شلاق محکوم شده اند. در کنار این زندانیان سیاسی خانواده

## گزارش کنفرانس اسلو...

## پیام کنفرانس

از صفحه ۹

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ (ال او)  
در حمایت از جعفر عظیم زاده و خواستهایش

استفاده میکند. این وضعیت روی زندانیان و خانواده های آنها تأثیرات وحشتناکی داشته، و همچنین روی اقتصاد ایران هم تأثیرات مخربی گذاشته است.

از این رو، ال - نروژ از شما، آیت الله سید علی حسینی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی میخواهد که مقامات مسئول را برای اجرای موارد زیر موظف کنید:

آزادی فوری و بدون قید و شرط جعفر عظیم زاده و لغو اتهامات او و آزادی سایر فعالین اتحادیه ای که بازداشت شده اند.

متوقف کردن سرکوب کارگران و فعالین اتحادیه ای و احترام به آزادی تجمع و آزادی حقوق اتحادیه ای مطابق مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ آئی ال او.

تا زمانی که دولت شما نتواند به رعایت حقوق اتحادیه ای کارگران و سایر حقوق پایه ای کارگران گردن بگذارد، و همچنین به تعهدات ناشی از عضویت خود در سازمان بین المللی کار عمل کند، جنبش اتحادیه های کارگری بین المللی از جمله ال او در نروژ بطور واقعی هیچ چاره ای جز ادامه مبارزات عمومی خود در برابر این سرکوب غیر قابل قبول و مطرود ندارد.

با احترام

دبیر کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ (ال او)  
گرد کریستیانسون

۱۳ ژوئن ۲۰۱۶

های برحق آنان برای آزادی تشکل و بدون ترس از دستگیری و یا هرنوع اذیت و آزار اعلام میکنیم.  
در عین حال سازمان ال او در نروژ، مصرانه از شما میخواهد که دستور آزادی فوری همه فعالین کارگری و رهبران آنها را صادر کنید.

جعفر عظیم زاده محکوم به ۶ سال حبس شده است

جعفر عظیم زاده، یک رهبر شناخته شده کارگری و رهبر اتحادیه آزاد کارگران ایران و یکی از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا برای افزایش دستمزدها، از تاریخ ۸ مارس ۲۰۱۵ به ۶ سال زندان محکوم شده و در زندان اوین محبوس مانده.

جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی، یکی از فعالین شناخته شده معلمان، در بیانیه مشترکی علیه مسائلی چون امنیتی اعلام کردن و جرم دانستن فعالیتهای صنفی و تجمع و اعتصاب بوسیله کارگران و معلمان اعتراض کرده اند. آنها با اعلام این خواست از ۲۹ آوریل اعلام اعتصاب غذا کردند. اسماعیل عبیدی در ۱۴ ماه مه با ضمانت آزاد شد ولی جعفر عظیم زاده همچنان در بازداشت بسر میبرد و وضعیت او اضطراری است. او مصر است که تا زمانیکه دولت به شرایط او را نپذیرد به اعتصابش ادامه خواهد داد. خواستهای او خواستهای کارگران و معلمان است.

ما، ال او - نروژ، معتقدیم که حکومت ایران تحت عنوان قوانین و اتهامات "امنیت ملی" برای مشروعیت دادن به سرکوب مبارزات عادلانه کارگران و محروم کردن قربانیان این سرکوبها از استفاده از وکلا و نمایندگان قانونی

به دنبال تماس صبری امیر حسینی از اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندانی در نروژ و سرور کاردار مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در این کشور، گرد کریستیانسون دبیر کل کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ (ال او) طی نامه ای حمایت خود را از جعفر عظیم زاده و خواستهای او اعلام داشت. متن نامه ضمیمه است.

۳۱ خرداد ۹۵، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۶  
Shahla.  
Daneshfar2@gmail.com  
http://free-them-now.com

\*\*\*

موضوع: اعتراض علیه اذیت و آزار ادامه دار فعالین کارگری در ایران رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه ای

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری (ال او - نروژ) به نمایندگی از ۹۰۰ هزار کارگر در نروژ اعتراض خود را علیه خشونت زشت در قبال حقوق کارگران در کشور شما را اعلام میدارد. تعدادی از رهبران جنبشهای مستقل کارگری در ایران دستگیر شده اند و در زندانند در حالیکه آنها حقوق پایه ای خود را میخواهند.

ال او در نروژ بشدت نگران تداوم بدتر شدن وضعیت اتحادیه های کارگری و دیگر حقوق پایه ای بشر در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. این سرکوبها مخصوصا منجر به کشته شدن و زندانی شدن فعالین کارگری شده است.

ما به دلایل بسیار قوی بر این باور هستیم که بدینال توافق هسته ای با گروه ۵+۱ سرکوب فعالیتهای اتحادیه ای برای ترساندن و به انفعال کشاندن جنبش اتحادیه های مستقل کارگری در ایران طرح ریزی شده است. ما به نوبه خود مصمم هستیم تا حمایت کامل سیاسی و اخلاقی خود را از کارگران ایران و خواسته

هایشان تحت بیشترین فشارها هستند. خانواده هایی که ۳۷ سال است که در غم نبود عزیزشان روزها و شبها را طی میکنند و به جرم دفاع از فرزندانشان دستگیر، بازجویی و زندانی میشوند.

ما اعلام میکنیم: به مناسبت بیستم ژوئن ۲۰۱۶ برابر با سی خرداد ۱۳۹۵ روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی یکبار دیگر همبستگی خود را با زندانیان سیاسی و خانواده هایشان اعلام میکنیم. ما با تمام قدرت از خواسته های زیر دفاع و برای تحقق آنها مبارزه کرده و از تمامی تشکلهای، شخصیتها و مجامع مدافع آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکنیم این خواستهها را از هر طریق ممکن مورد پشتیبانی قرار دهند:

به دستگیری، تهدید و اذیت و آزار خانواده های زندانیان سیاسی پایان داده شود  
اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور" و دیگر اتهامات امنیتی از پرونده های مفتوح کارگران و معلمان معترض و سایر زندانیان سیاسی حذف شود  
صدور و اجرای احکام اعدام فوراً متوقف شود و به هر نوع شکنجه تحت هر عنوانی پایان داده شود.

زندانیان محروم از درمان فوراً مورد مداوا قرار بگیرند  
زندانیان سیاسی و عقیدتی فوراً آزاد شوند  
جمهوری اسلامی برای بازدید هیئت های بیطرف جهانی از زندانها تحت فشار قرار داده شود.

شرکت کنندگان در سمینار روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی

هجدهم ماه ژوئن ۲۰۱۶ برابر با بیست و نهم خرداد ماه ۱۳۹۵

## بیانیه کنفرانس در حمایت از جعفر

## عظیم زاده، کارگر زندانی

جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری سرشناسی در وضعیت اضطراری در زندان است. اعتراض او به امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان، و مردم معترض جامعه است. خواست مشخص او لغو تمامی پرونده های مفتوحه برای کارگران، معلمان و تمامی فعالین اعتراضات در جامعه است. او و اسماعیل عبیدی از معلمان معترض، در بیانیه مشترکی در آستانه روز جهانی کارگر با طرح این خواست مشخص اعلام کردند که از دهم اردیبهشت دست به اعتصاب غذا خواهند زد و جعفر عظیم زاده از آن روز تا کنون در اعتصاب غذا بسر میبرد. کنفرانس حمایت همه جانبه خود را از جعفر عظیم زاده و خواستهایش اعلام میکند. و با اطمینان دادن به اینکه صدای او خواهد بود، از وی میخواهد که به خاطر سلامتی اش و برای پیشبرد قدرتمند این خواستها، به اعتصاب غذایش پایان دهد. کنفرانس در عین حال اعلام میدارد که جمهوری اسلامی در قبال جان جعفر عظیم زاده و آسیبهای جسمی ای که بر او وارد شده، مسئول است. او باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

شرکت کنندگان در سمینار روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی

هجدهم ماه ژوئن ۲۰۱۶ برابر با بیست و نهم خرداد ماه ۱۳۹۵

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:



# چند کلمه به مناسبت روز جهانی پناهنده

عبداله اسدی



بسیاری از دولت‌ها و احزاب دست راستی مشغول بستن مرزها به روی پناهجویان بودند و در مقطعی که تصاویر دلخراش کشف جسد ۷۱ پناهجو در کامپونی در مرز میان اتریش و مجارستان و جسد کودک سه ساله سوری در کنار ساحل ترکیه و خشونت پلیس علیه عبور پناهجویان در شبکه‌های اجتماعی بازتاب پیدا کرد، دهها هزار نفر از مردم سوئد و آلمان و اتریش به خیابان‌ها آمدند و خواستار باز شدن مرزها به روی پناهجویان شدند. خوشبختانه با همه شرایط و مقررات سختی که برای پناهندگان پیش آمده است یک جنبش عظیم بشردوستانه و مدافع حقوق پناهندگی و ضد نژادپرستی وجود دارد اما اعتراض این جنبش به شکل تاکنونی اش، جواب مقطعی که در آن قرار گرفته ایم را نمی‌دهد. منظورم این است که تنها دفاع این جنبش از آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی کافی نیست باید راه حل هم داشته باشد. آمار سازمان ملل نشان می‌دهد که از ۵ سال پیش تا به امروز در حدود ۱۵ میلیون نفر آواره شده‌اند.

۳۰ خرداد ۱۳۹۵ برابر با ۲۰ ژوئن ۲۰۱۶



کشور آوارگی میلیونی تحمیل کرد و در نتیجه آن فقر و فلاکت جامعه را به کام خود فرو برد. در بطن این شرایط سیاه است که نیروهای اسلامی میداندار می‌شوند و دست به جنایت ۱۱ سپتامبر می‌زنند. این بار اتفاق ۱۱ سپتامبر زمینه حمله آمریکا و سازمان نظامی ناتو را به افغانستان نیز فراهم می‌کند. اینها نیروهای ساخته و پرداخته دست سازمان سیا برای ضدیت با شوری سابق بودند. وقتی که شوروی دگرگون می‌شود و شرایط تازه‌ای در سالهای پایانی جنگ سرد ایجاد می‌شود نیروهای اسلامی هم فرصت و امکان قدرتمندی پیدا می‌کنند. اما قدرتمندی آمریکا پس از حمله به عراق و افغانستان تضعیف می‌شود بطوری که نیروی نظامی اش با تلفات زیاد در باطلاق این جنگ گرفتار می‌شوند، این بارسبباری از نیروها و دولت‌های اسلامی در کنار روسیه و علیه آمریکا قرار گرفتند و جایگاهی که آمریکا در منطقه پیدا کرده بود به میدان قدرتمندی روسیه تبدیل شده است. در بطن چنین شرایطی است که جنبش اسلام سیاسی بنام بوکو الحرام، القاعده، النصرة، الشباب، طالبان و داعش و از این قبیل گروه‌ها سر برآورده‌اند.

ولی با این حال لازم است یادآوری کنم که درست در حالی که

شاهد به آتش کشیدن کمپ‌ها و محل‌های موقت استقرار پناهجویان در آلمان و سوئد از سوئی نژادپرستان هوادار دوران آلمان نازی هستیم. شاهد این هستیم در همین لحظات که این مطلب را به مناسبت روز جهانی پناهنده می‌نویسم درست در همین روز شاهد به تصویب رسیدن سخت‌ترین قوانین و مقررات پناهندگی در کشور سوئد هستیم. شاهد این هستیم که اداره مهاجرت این کشور به هزاران متقاضی پناهندگی که پیش‌تر به درخواست پناهندگی آنها پاسخ منفی داده است؛ اعلام کرده که خانه‌ها و کمپ‌های پناهندگی را ترک کنند. به گفته وزیر کشور سوئد ۶۰ تا ۸۰ هزار نفر باید کشور سوئد را ترک کنند. این سخت‌گیری‌ها تبعات جنگ‌های ویرانگری است که از سوریه و عراق و افغانستان تا شاخ آفریقا همچنان ادامه دارد و هیچ نشانی هم برای پایان دادن به وضع موجود نیست.

دلایل این است که به دنبال فروپاشی شوروی فاکتورهای جدیدتری وارد معادلات جهان شد و پس از آن چهره جهان پسا جنگ سرد یک دفعه دگرگون شد. از یک طرف قدرتمندی آمریکا و سیاست‌های میلیتاریستی و حمله به عراق و افغانستان بعنوان قطب پیروز دوران پس از جنگ سرد، و از طرف دیگر جریان‌ها و نیروهای اسلامی ساخته و پرداخته دست آمریکا و کمپ غرب علیه شوروی سابق باهم سرشاخ شدند و آنچه که در دو دهه اخیر شاهدش بوده ایم در نتیجه ملیتاریسم آمریکا و اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه بوده است. آنها در شکل دادن به چهره دنیای پس از جنگ سرد و آن چیزی که امروز می‌بینیم نقش بسیار تخریب‌کننده و ویرانگری داشته‌اند. به صحنه آمدن آمریکا بعنوان تنها قدرت جهانی پس از شوروی و با استفاده کامل از قدرت تسلیحاتی و نظامی در دهه ۹۰ جامعه عراق را درهم کوبید و آن را به ویرانه تبدیل کردند. بر اثر این وضعیت جنگ‌های قومی و مذهبی و انتقام‌جویانه سراسر جامعه عراق را در بر گرفت، به گونه‌ای که، به آن

های غیر قابل توصیف و به دلیل آنچه که اسلام سیاسی و گروه‌ها و دستجات جهادی از نوع داعشیان در ایران، عراق، سوریه، نیجریه، الجزایر، سومالی و پاکستان و افغانستان بر سر مردم بی‌دفاع آورده‌اند، آواره و بی‌خانمان شده‌اند. بیش از ۴۰ میلیون نفر در داخل کشور محل زندگی خود یا در کشورهای همسایه و فرزند آواره هستند یعنی از شهری به شهر دیگر و از مرزی به مرز دیگری فرار کرده‌اند. میلیون‌ها نفر از آنها از کمترین آب آشامیدنی و غذا و سرپناه و امکانات و خدمات درمانی محرومند و به همین دلیل آمار مرگ و میر کودکان در میان آنها بسیار بالاست. بیش از ۱۸ میلیون نفر هم عمدتاً در کشورهای امنتری در تبعید بسر می‌برند.

در همین حال، بسیاری از جنگ‌ها و درگیری‌های طولانی مدت سالهاست حل‌نشده باقی مانده‌اند و به این معنا مردمان بسیار کمتری توانسته‌اند به کشورها و محل زندگی خود بازگردند. در حدود ۳ میلیون نفر از افغانستان، کلمبیا، کنگو، میانمار، سومالی، زیمبابوه و سودان همچنان در تبعید بسر می‌برند. در نیمه دوم سال ۲۰۱۵ جهان شاهد عظیم‌ترین و کم سابقه‌ترین موج پناهندگی پس از جنگ جهانی دوم بود، پناهندگانی که عمدتاً از سوریه و عراق و افغانستان به سوی اروپا به حرکت در آمده بودند یکبار دیگر این تاریخ را تکرار کرد. کمتر هفته‌ای است که شاهد صحنه‌های دلخراش اخبار غرق شدن ده‌ها و صدها پناهجو در آب‌های مدیترانه و دریای اژه و خفه شدن در کامپون‌های قاچاقچیان نباشیم. با اینحال این بار نه تنها هیچ کدام از دولت‌های حامی اعلامیه جهانی "حقوق بشر و جایگاه تاریخی این اعلامیه خصوصاً برای پناهندگان حرفی نمی‌زنند و به روی مبارکشان هم نمی‌آوردند، چه بسا بارها مرزها را به روی دهها هزار پناهجویی خسته و گرسنه و وحشت‌زده بستند. نه تنها این "حامیان حقوق بشر" در کمال بی‌رحمی مرزهای خود را یکی پس از دیگری بروی پناهجویان بستند،

۶۵ سال پیش کنوانسیون پناهندگی سازمان ملل به تصویب مجمع عمومی این سازمان رسید. از آن تاریخ، ۲۰ ژوئن بعنوان روز جهانی پناهنده اعلام شده است و هر سال به همین مناسبت در بسیاری از نقاط مختلف جهان از این روز به اشکال گوناگون یاد می‌شود به این دلیل که بند ۱۳ و ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر که در آن ایام مفهوم و معنای بشر دوستانه تری داشت به این موضوع اختصاص یافت. از آن موقع این بیانیه به مبنایی برای نحوه برخورد سازمان ملل و شماری از دولت‌ها تبدیل شد. اکنون ۶۵ سال از آن زمان که مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز ۲۰ ژوئن را بنام روز پناهندگان نام گذاری کرد می‌گذرد. امسال در شرایطی از این روز یاد می‌کنیم که شمار پناهندگان و آوارگان در جهان تا سطح ۶۵ میلیون نفر افزایش یافته است. پناهندگی ایرانیان عمدتاً از آغاز جنگ ایران و عراق و سرکوب‌های خونین سال‌های ۶۰ و ۶۷ شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. از آن موقع که جمهوری اسلامی بر مسند قدرت نشست و برای تثبیت و تحکیم حاکمیت اسلامیشان هر آنچه که به فکر و به تجربه نسل انقلابیون آن زمان و تجربه مردم ایران نمی‌رسید؛ به مردم تحمیل کردند. بیش از سه دهه از تاریخ پناهندگی ایرانیان و دوران پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر سپری شده است. به این معنا ۲۰ ژوئن برای ما ایرانیان مصادف است با ۳۰ خرداد ۶۰، سالروز شروع کشتار زندانیان سیاسی و ۳۰ خرداد ۸۸ روز به گلوله بستن تظاهرات مردم در تهران و کشتن ندا آقا سلطان.

امروز ما شاهد این هستیم که در سراسر دنیا، جنگ و درگیری‌های خونین موجب شده است تعداد زیادی از مردم در نقاط مختلف جهان، کشور محل زندگی خود را ترک کنند و به نقاط دیگری از جهان پناه ببرند. در حال حاضر ۶۵ میلیون نفر به دلیل جنگ‌های ویرانگر و خشونت



## غارتگران میلیاردری را باید به زیر کشید!

### جنبش اعتراض به شلاق و ...

از صفحه ۲

اسلامی‌شان به بررسی نحوه اجرای حکم و تطبیق عملکرد مسئولین با قوانین موجود می‌پردازند! اساس مساله همین "قوانین موجود" است و نه نحوه اجرای آنها و یا عملکرد مسئولین. میتوان و باید جمهوری اسلامی را تا ممنوعیت کامل مجازات شلاق به عقب راند. این اولین قدم در ممنوعیت کل جنایاتی است که تحت عنوان تعزیرات و حدود و قصاص اسلامی علیه مردم اعمال میشود. سیستم قضائی اسلامی را باید بر سر جانیان حاکم خراب کرد.

به نام مجازات شلاق و کل سیستم قضائی است که جنایاتی نظیر شلاق و تعزیر و سنگسار و قطع عضو را بعنوان کیفر و مجازات تعیین کرده و به اجرا در می‌آورد. آنچه در این سیستم قضائی قرون وسطائی جرم نامیده میشود نیز نه تنها جرم نیست بلکه جزئی از حقوق بدیهی و پایه ای مردم است. کارگر را بخاطر اعتراض به دستمزدها یک چهارم خط فقر و جوانان را بخاطر جشن و شادی و زنان را بخاطر بی حجابی به شلاق میبندند و بعد تحت فشار اعتراضات مردم در مجلس

افشای حقوقهای نجومی دست اندرکاران حکومت گوشه‌ای از دزدی جانیان حاکم است. این نان شب بچه های ما، هزینه دارو و درمان مردم محروم، پولهایی که باید صرف مسکن و رفاه مردم شود و خون مردم است که اینها میمکند. همینها که حقوقهای هشتصد میلیونی و پرداختهای میلیاردری دریافت میکنند، برای کارگری که ثروتهای جامعه را تولید میکند هشتصد هزار تومانی یعنی هزار بار کمتر تعیین کرده اند.

این حکومت یک باند حریص چپاول و غارت ثروتهای عمومی و دسترنج مردم کارکن است. اعتراف اینها به دزدیهایشان زیر فشار اعتراضات ماست. تک تک ما مردم حق داریم از رفاه برخوردار باشیم. از درمان و داروی رایگان برخوردار شویم. از مسکن مناسب برخوردار شویم و کود کانمان بتوانند شاد و خنده بر لب باشند.

باید گلویشان را فشار دهیم و حق و حقوقی را که سزاوارش هستیم از حلقومشان بیرون بکشیم.

برای دست یابی به ابتدایی ترین زندگی انسانی این دزدان حریص و بیرحم را باید به زیر کشید

## حمایت اتحادیه پست کانادا از جعفر عظیم زاده و خواستهایش

دست به اعتصاب غذا زده است. اولین خواست او لغو اتهامات تحت عنوان اقدام علیه امنیت ملی از پرونده های فعالین کارگری و خود اوست. ما از خواسته های او پشتیبانی میکنیم و به شما اطمینان میدهم که همچنان وضعیت حقوق کارگران در ایران را دنبال میکنیم.

زندانی شدن فعالین کارگری در ایران و وضعیت جعفر عظیم زاده برای شما نامه میدهد. در نامه ای در اول دسامبر ۲۰۱۵ اتحادیه پست برای شما نوشت: ... یک موضوع دیگر جعفر عظیم زاده کسی است بخاطر اینکه در دفاع از حقوق کارگران و برای داشتن یک زندانی بهتر با دستمزدهای بهتر مبارزه کرده است، ۶ سال حکم زندان گرفته است. و خواستار آزاد فوری او شدیم. عظیم زاده بخاطر خواستهایش

در سازمان ملل به نمایندگی ۵۲ هزار عضو اتحادیه کارگران پست کانادا، این نامه را مینویسم تا بار دیگر نگرانی خود را در باره نقض حقوق کارگران در ایران اعلام کنم. ما با توجه به وضعیت سلامتی جعفر عظیم زاده فعال کارگری ای که ۵ هفته است در زندان اوین در اعتصاب غذا بسر میبرد، این نامه را مینویسیم. این اولین بار نیست که اتحادیه کارگران پست کانادا در اعتراض به

شد. متن نامه ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۳۱ خرداد ۹۵، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۶  
\*\*\*

نامه اتحادیه پست کانادا در حمایت از جعفر عظیم زاده و خواستهایش از: اتحادیه سراسری پست کانادا به: علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی، حسن روحانی رئیس جمهور، مقامات قضایی جمهوری اسلامی و نماینده جمهوری اسلامی

بنیال تماس داود آرام از اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندانی مایک پارلک دبیر کل اتحادیه کارگران پست کانادا به نمایندگی از ۵۲ هزار عضو این اتحادیه طی نامه ای به مقامات جمهوری اسلامی ضمن اعلام نگرانی از نقض حقوق کارگران در ایران توسط حکومت اسلامی، حمایت خود را از جعفر عظیم زاده و خواستهایش اعلام داشت و خواستار آزادی وی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

## نامه اتحادیه کارگران خدمات بریتیش کلمبیای کانادا در حمایت از

### جعفر عظیم زاده و کارگران زندانی در ایران

همه مردم را داریم. با احترام استغفانی اسمیت رونوشت: قوه قضاییه جمهوری اسلامی شورای عالی حقوق بشر نماینده دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل

ما از مبارزات کارگران و مردم ایران برای آزادی، حق تشکل، حق اعتصاب و داشتن یک زندگی خوب و برابر و عادلانه و انسانی حمایت میکنیم. ما از حکومت شما انتظار احترام به انسانیت و حقوق پایه ای کارگران و

کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران به شما مینویسم. ما همبستگی خود را با کارگر زندانی، جعفر عظیم زاده و خواستهایش اعلام میکنیم. او باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. ما همبستگی خود را با کارگران ایران اعلام کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران هستیم. احکام زندان برای کارگران زندانی و همه فعالین سیاسی باید لغو شود. و هر نوع تهدید و پرونده سازی امنیتی باید فوراً متوقف شود.

آزادی فوری وی شد. متن نامه ضمیمه است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۳۱ خرداد ۹۵، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۶  
از: اتحادیه کارگران خدمات بریتیش کلمبیا در کانادا به: رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه ای  
حسن روحانی، رئیس جمهوری

بنیال تماس مسعود ارژنگ از اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندانی، استغفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران خدمات بریتیش کلمبیای کانادا به نمایندگی از طرف ۷۰ هزار عضو این اتحادیه طی نامه ای خطاب به خامنه ای و روحانی خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران شد. او در این نامه ضمن اعلام حمایت از مبارزات کارگران و مردم ایران و حقوق پایه ای کارگران برای حق تشکل، حق اعتصاب و داشتن یک زندگی انسانی، حمایت خود را از جعفر عظیم زاده و خواستهایش اعلام داشته و خواستار

### انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

### سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

ما اذیت و آزار فعالین کارگری و فعالین سیاسی در ایران را محکوم